



## بررسی جایگاه نقش تربیتی اسماء الهی از دیدگاه امام خمینی (ره)

حسین رحمانی<sup>۱</sup>

۱- عضو هیات علمی معارف دانشگاه پیام نور استان تهران

Rahmanitirkalai391@yahoo.com

### چکیده:

اسماء الهی از نگاه امام خمینی (ره) جایگاه ویژه ای دارند. یکی از مباحث کلیدی در شناخت اسماء الهی از نگاه امام خمینی بحث "تعریف مفهوم عرفانی اسم الهی" است. سلسله وجود و مراتبش و دایره شهود و مدارجش همه اسماء الهی است. چرا که اسم به معنی علامت است و هر چه در وجود است علامت باری و مظهر اوست. امام خمینی (ره) اسماً الهی را حجب نوریه ذات حق و اسم را عبارت از ذات با صفت معینی از صفات و تجلیاتی از تجلیاتش می داند. دیدگاه امام خمینی اولین اسمی که با تجلی خداوند متعال قدم به عرصه وجود می گذارد، اسم اعظم است که مستجمع جمیع اسماء الهی است. این اسم، ربّ و پرورش دهنده «صادر نخستین» یعنی وجود پیامبر اسلام (ص) و ذوات مقدسه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است. که همگی نور واحد و منفرداند، و اگر در روایات آن ذوات مقدسه اسم اعظم خداوند خوانده شده اند، به لحاظ اتحاد ظاهر با مظهر بوده و منافاتی بین ظاهر و مظهر نیست. امام خمینی، اسم اعظم را در واقع همان «مشیت الهی» می داند که توسط آن، همه چیز قدم به عرصه وجود می گذارد. از دیدگاه امام، اسم اعظم دارای دو مقام یا دو وجه است که هر کدام حکمی جداگانه دارند: مقام «الوهیت» یا «واحدیت» و مقام «عیبیت». در منظر امام، اسم اعظم (علاوه بر این وجه) چهار رکن دارد که توسط چهار فرشته، نگهبانی می شوند. هر کدام از این ارکان به نوبه خود ارکانی دارد که به سیصد و شصت رکن بالغ می شود؛ همین ارکان نیز به نوبه خود منشأ همه اسماء لایتناهی می گردند که «کل یوم هدفی شأن» (الرحمن: آیه ۲۹) در این مقاله می خواهیم دیدگاه امام خمینی را درباره نقش تربیتی اسماء الهی را بررسی نمائیم.

### کلیدواژه:

جایگاه، اسماء الهی، دیدگاه، امام خمینی (ره)

### مقدمه:



FHD2015.ir

شیراز مهرماه ۱۳۹۴

اسم علامت است، و این علامت یک شناسایی است. اسماء خدا هم علامت‌های ذات مقدس اوست، و آن قدری که بشر می‌تواند به ذات مقدس حق تعالی اطلاع ناقص پیدا کند، از اسماء حق است. (روزنامه رسالت، ۱۳۸۹)

آنچه در بحث از مکتب تربیتی امام خمینی (س) که در واقع همان تربیت اسلامی است، عمده و اساسی می‌باشد، توجه به مبانی فکری و فلسفی و عرفانی است، که پشتوانه واقعی آن آراء تربیتی را تشکیل می‌دهد. اساسی‌ترین و ضروری‌ترین بحث در حوزه دین پژوهی، مسأله شناخت حق سبحانه و اسماء حسناست اوست؛ و به دلیل آن که بحث از اسماء حق سبحانه محور اصلی و اساسی همه علوم الهی همچون کلام، فلسفه و عرفان و مانند آن است، هر کدام از آن‌ها از منظر خاصی، خود به تشریح آن پرداخته و حقایق ظریف و مهمی در این زمینه ارائه نموده اند، گرچه حلاوت و ظرافتی را که در این باره در عرفان اسلامی وجود دارد، در هیچ جای دیگر نمی‌توان یافت. و از آن رو، که رهاورد فکری فقیه مجاهد، حکیم ژرف اندیش و عارف نکته آموز، حضرت امام خمینی قدس سره، در احیا، پویایی، معرفی و نشر معارف الهی در حوزه های فقهی، کلامی، فلسفی و عرفانی، بلیغ، پرجاذبه، گویا، آموزنده و مؤثر است، طرح شناخت اسماء الهی از منظر عرفانی آن بزرگ مرد اندیشه و عرفان، ضرورتی انکارناپذیر دارد و در نشر حقایق توحیدی، تأثیری بسزا خواهد داشت. بخصوص آن که این گونه معارف الهی بیش از مسائل و موضوعات دیگر مهجور بوده و در پرتو اندیشه آن عارف حماسه آفرین امکان ظهور پیدا کرده، و زمینه طرح، پژوهش و نشر آن فراهم شده است.

### بیان مسئله :

اسماء خداوند نامتناهی است زیرا این اسماء به واسطه آنچه از اینها صادر می‌شود (آثار) دانسته می‌شوند. و آنچه از آنها صادر می‌شود نامتناهی است اگر چه همه ی آنها به اصول متناهی که امهات اسماء یا حضرات اسماء خوانده می‌شوند، برمی‌گردند. و در واقع جز یک حقیقت وجود ندارد که پذیرای همه ی این نسب و اضافات است که از آنها به اسماء الهی تعبیر می‌شود.... آدمی در باید چرا ربوبیت در شأن خداوند است و چرا باید او را یگانه دانست. در «شناخت»، انسان به این هدف که وجود خدا یک وجود مطلق و وجودی که در کائنات هستی سریان دارد و انسان هستی اش را وامدار این وجود حقیقی است، تأمل می‌گردد. او وجودش را از ذات حق گرفته و در راستای آن می‌بایست وجود خدا را به عنوان یک وجود حقیقی اقرار کند. امام خمینی (ره) معتقدند در جهان جز اراده خدا چیزی نیست و همه گونه آفرینش ها و تأثیربخشی، در اصل متکی به قدرت اوست (لامؤثر فی الوجود الا الله) (امام خمینی، ۱۳۸۸).

به زعم ایشان، وجود جهان و هستی آن، وجودی ظلّی و سایه گونه است و در واقع هستی آن مجزا، مستقل و غیروابسته نیست (امام خمینی، ۱۴۱۰ه.ق). جهان نه تنها در پیدایش خود محتاج و وابسته به خداست، بلکه در همه لحظه های تداوم وجود خویش نیز محتاج به اوست که اگر لحظه ای فیض حق دریغ شود، نابود خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۵). در مکتب و حیانی، ذات حق در رأس همه موجودات عالم قرار دارد و بعد از آن به علم و اراده او سایر مخلوقات، صاحب رتبه و تربیتی از او می‌شوند (نیت خدا به موجودات، نسبت ایجاد کردن و آفریدن و تکوین است و این قراردادی و اعتباری نیست. بلکه حقیقی و تکوینی است).

### تعریف:

اسم الهی عبارت است از ذات با صفت معینی از صفاتش و تجلی مخصوصی از تجلیاتش؛ مثلاً "الرحمن" عبارت است از ذاتی است که با رحمت منبسط تجلی کرده باشد. و "رحیم" عبارت است از ذاتی که با رحمتی که بسط کمال است تجلی کند و "منتقم" آن ذاتی است که با انتقام تعین یافته باشد. (امام خمینی، شرح دعای سحر)



### مراتب اسم

از منظر امام (ره) اسماء الهی حقایقی هستند که آنها را باید با چشم دل دید و دریافت. از دیدگاه ایشان ذات اقدس الهی در سه مرتبه و مقام تجلی می کند: گاهی در مقام ذات، و گاهی در مقام فعل و گاهی در مقام صفات. بدین ترتیب تمام اسماء الهی به سه مرتبه ذاتی افعالی و صفاتی تقسیم می شوند. این تجلی ها را امام (ره) در عالم واقع، یک تجلی بیشتر نمی دانند. در واقع این قلب عارف است که به علت اسارت در عالم کثرت وجود را «وجودات» و تجلی یگانه «تجلی های سه گانه در می یابد، لذا می فرماید: «اسم (مراتبی دارد): اسم در مقام ذات، اسم در مقام صفات، اسم در مقام تجلی فعلی. (به عبارت دیگر): تجلی ذات بر ذات، تجلی ذات بر صفات، و تجلی ذات بر موجودات.

(منظور از) تجلی بر موجودات، تجلی ای است که این تجلی را وقتی ما بخواهیم تعبیر کنیم می گوئیم: وجودات ما این یک تجلی است، یک نوری است که در آئینه های متکثر می تابد. (هر چند مثال دور دستی است)، اما صد تا آئینه که اینجا بگذارید و نور شمس، یا این نور (هر نوری) در آن منعکس می شود، به یک اعتبار می گوید: صد تا تور است، نور آئینه همان نور است. متنها محدود است، صد تا است، لیکن همان نور است، همان جلوه شمس است... (ربانی خلیفالی، ۱۳۵۸، ۹۶ و ۹۷)

### اسم اعظم

امام خمینی (ره) با تکیه بر قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» ظهور و تجلی اسماء را بر منہج طولی بودن اسماء الهی - و به عبارت رساتر - محیط و محاط بودن اسماء نسبت به یکدیگر تفسیر می کنند؛ راهی که اکثریت فلاسفه و عرفا پیموده اند. امام (ره) با اعتقاد راستین به تجلی خداوند در دو مرتبه «فیض اقدس» و «فیض مقدس» - که اولی تجلی ذات بر ذات، و دومی تجلی ذات بر اسماء موجودات است بر این باوراند که اولین مخلوقی که در مرتبه فیض اقدس ظهور به هم رسانید، خلیفه کبری و یا به تعبیر ایشان: «حقیقت محمدیه (ص) بود». این حقیقت عظمی لازم بود که با واسطه ای از وسائط الهی، قدم به عرصه ظهور بگذارد، و آن واسطه «الله» یا اسم اعظم بود. اسم اعظم از منظر امام خمینی (ره)، این اوصاف را دارد:

۱- مستجمع جمیع اسماء و صفات الهی است.

۲- در جمیع مظاهر و آیات الهی ظاهر می شود.

۳- ذات اقدس الهی و خلیفه اش را متعین می سازد.

۴- هیچ اسمی نمی تواند به ذات اقدس الهی مرتبط شود مگر با واسطه آن.

بیان امام (ره) در خصوص اسم اعظم، این گونه است: «اولین چیزی که از حضرت فیض اقدس و خلیفه کبری بهره مند می شود، حضرت اسم اعظم است. یعنی، اسم «الله» به حسب مقام تعیینه که مستجمع جمیع اسماء و صفات است و در جمیع مظاهر و آیات ظاهر می شود. پس تعیین اول برای حقیقت لا متعین (هویت غیبیه) همان کلّ تعینات و ظهورات است. و هیچ یک از اسماء و صفات به این فیض اقدس مرتبط نمی شود، مگر به توسط اسم اعظم بنا بر ترتیب معین: هر کدام حسب مقام خاصش نسبت به آن اسم». (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴، ۱۷)

### مقامات اسم اعظم از دیدگاه امام (ره)



اسم اعظم در مقام «الوهیت و احدیت» حکمی دارد، و در مقام «حقیقت عینی» حکم دیگر. به نظر امام (ره) این اسم «به حسب مقام الوهیت و احدیت اسمی است که جامع همه اسماء الهی است؛ جامعیتی که مبدأ اشیاء و اصل آن‌ها باشد و به منزله هسته ای باشد برای درخت‌ها که تنه و شاخ‌ها و برگ‌ها همه از هسته است. یا هم چون شامل بودن جمله اجزایش مانند لشکر که شامل فوج‌ها و افرادش است. و این اسم به اعتبار اول (الوهیت و احدیت) و بلکه به اعتبار دوم (عینیت) بر همه اسماء حکومت دارد. و همه اسماء مظهر اویند و به حسب ذات بر همه مراتب الهیه مقدم است. و این اسم به تمام حقیقت خود تجلی نمی‌کند مگر برای خودش و برای آن کس از بندگان خدا که جلب رضایت حق را کرده باشد، و آن بنده مظهر تام او گردیده باشد، یعنی صورت حقیقت انسانیت که صورت همه عوالم است. و اما اسم اعظم به حسب حقیقت عینی عبارت است از انسان کامل که خلیفه الله در همه عوالم است. و او حقیقت محمدیه (ص) است که عین ثابتش در مقام الهیت با اسم اعظم متحد است و دیگر اعیان ثابته، بلکه دیگر اسماء الهیه از تجلیات این حقیقت است، زیرا اعیان ثابته تعین‌های اسماء الهی می‌باشند. و تعین هر چیزی در خارج، عین آن چیزی است که تعین یافته، و چیزی جز آن نیست. بلی در مقام عقل است که تعین با متعین غیریت دارد. پس اعیان ثابته عین اسماء الهی هستند. پس عین ثابت از حقیقت محمدیه (ص) عین اسم الله الاعظم است. و سایر اسماء و صفات و سایر اعیان از مظاهر آن و فروع آن است. و به اعتبار دیگر از اجزاء آن است. پس حقیقت محمدیه (ص) بود که از همه عوالم، از عوالم عقل گرفته تا عالم هیولی، تجلی کرد و جهان سراپا ظهور آن حقیقت و تجلی آن است.» (امام خمینی، ۱۳۵۹، ۱۴۶ و ۱۴۷)

#### دیدگاه ویژه امام (ره) در مورد اسماء «رحمن» و «رحیم»:

داود قیصری از عرفای بنام معتقد است که: اگر کلیات را «شرط حقیقت وجود بدانیم می‌توان بر این کلیات عنوان «رحمن» قرار دهیم. اگر حقیقت وجود را در عین کلیات، جزئیات در نظر بگیریم به اسم «الرحیم» میرسیم. امام (ره) ضمن ارج نهادن به این دیدگاه، با را فراتر می‌گذارد و می‌فرماید: اسم «الرحمن» مرتبه بسط وجود، و اسم «الرحیم» مرتبه بسط کمال و وجود است. توضیح کلام امام (ره) این است که ذات اقدس الهی از آنجا که منبع فیض و دهش است، بر اساس حب ذاتی و گنج نهانی بر خلقت جهان اراده فرمود. لازمه این ایجاد و فیض، رحمت و اسعه او بود، لذا بر اساس همین رحمت و اسعه است که موجودات قدم به عرصه وجود نهادند. امام (ره) این مرتبه از ایجاد را مبتنی بر اسم «الرحمن» می‌داند. و آنگاه که همین موجودات برای هدایت تکوینی مبتنی بر رحمت، راه کمال پیش می‌گیرند با اسم «الرحیم» روبرو می‌شویم. سخن امام (ره) پس از ذکر جملات مرحوم قیصری در مقدمه شرح فصوص الحکم چنین است: «من می‌گویم؛ اینکه قیصری گفته: هر چند به یک توجیه صحیح است ولی مناسب تر آن بود که بگوید: مرتبه اسم «الرحمن» را مرتبه بسط وجود به همه عوالم - چه کلیاتش و چه جزئیاتش - قرار می‌داد، مرتبه اسم «الرحیم» را مرتبه بسط کمال وجود قرار می‌داد - به کلیات و جزئیاتش -، زیرا رحمت رحمانیه و رحیمیه، همه چیز را فرا گرفته و به همه عوالم احاطه دارد. پس آن دو، عبارتند از تعین مشیت و مقام تعقل، و مقام نفس تعین در تعین است. پس بهتر آن است که گفته شود اگر حقیقت وجود به شرط بسط اصل وجود گفته شود، پس آن عبارت می‌شود از مرتبه اسم «الرحیم». (امام خمینی، ۱۳۵۹، ۸۲-۸۴)

#### منظور از تعلیم اسمایی که به آدم (ع) آموخته شد:

از دیدگاه امام خمینی (ره)، اسمایی که خداوند متعال - بر اساس آیه ۳۱ سوره بقره - به آدم (ع) آموخته شد، اسماء و الفاظی نبودند که آموختن آنها موجب مزیت و امتیاز آدم (ع) نسبت به فرشتگان شود، بلکه حقایقی بودند شعورمند که درک و دریافت آنها موجب کمال آدم (ع) گردید، تا آنجا که مسجود ملانکه قرار گرفت. امام (ره) در این خصوص بر این باورند که: «تعبیری که در آیه (۳۱ سوره بقره) به کار رفته، مُشعر بر این است که اسماء یا مسماهایی که خدا به آدم (ع) تعلیم کرد، یک سلسله موجودات زنده صاحب شعور بود که در پشت پرده غیب از نظرها مستور بودند (زیرا ضمیر «هم» معمولاً به جمع عاقل برمی‌گردد). و البته اطلاع آدم (ع) بر اسمای آنها مانند اطلاع، از نامهای مختلف اشیای مختلف، نبوده است؛ و الا فرشتگان هم



پس از آن که آدم (ع) آنها را شرح داد، مثل او می شدند و تفاوتی میان آنها و آدم (ع) باقی نمی ماند... (این علم) علمی بوده است توأم با کشف حقیقت وجود آنها، یعنی مسماهای آن اسم ها... پس آنهایی که خدا بر فرشتگان عرضه داشت. موجودات عالی و نا پیدایی هستند که نزد خداوند قرار دارند، و هر اسمی را در این جهان، خداوند به برکت آنها ایجاد کرد، و آن چه در زمین و آسمانها است، از پرتو آنها می باشد». (بدیعی، ۱۳۸۶، ۴۱۰ و ۴۱۱)

### کثرت اسماء، منشأ کثرت جهان:

امام (ره) بر این باور است که ذات اقدس الهی در مرتبه و جایگاه رفیع خود، خالی از هر نوع تعین و محدودیت است، لذا در آن جایگاه، مطلقاً کثرتی وجود ندارد، لیکن این ذات بی نظیر در اسم اعظم تجلی پیدا می کند، اولین تعین محدودیت در صفحه وجود شکل می گیرد. هر چه وجود در مراتب پائین تر نزول می یابد، این تعین ها نیز بیشتر می شود. بر اساس این تعین ها است که کثرت جهان شکل می گیرد. دیدگاه امام (ره) در این خصوص در کتاب شریف مصباح الهدایه چنین ترسیم شده است: «پس خداوند متعال، آنگاه که اراده فرمود که موجودات به منظور رؤیت نفس و کمالات ذاتیش در آئینه ای کامل و جامع، ظاهر شود، به اسم اعظم آتمی که دارای مقام احدیت جمع بود، تجلی نمود. پس، از این تجلی، آسمان های ارواح و زمین های اشباح نورانی گردید. پس تمام مراتب وجودی و حقایق نزولی و صعودی، نتیجه تعین تجلی ذاتی است که به وسیله اسم اعظم ماصل گردید. پس مقام خلافت، مقام استجماع تمام حقایق الهی و اسماء مکنون و محزون است. و از آنجا که در وجود از ناحیه خداوند متعال، حجابی وجود ندارد، پس حجاب ناشی از تعینات و حدودات است. و در آنجا که از ناحیه عالم قدس تعینی وجود ندارد، پس حجابی نیست. در این صورت ذات او به ذات خودش در اشیاء ظاهر گردید و بر حد اطلاق او، زمین و آسمان نورانی شد: «و اشرف الارض بنور ربها». نوری که حقیقت اطلاقی جامع برای کل حقایق و تعینات مشهود و معلوم در همه عوالم وجود است، و این تعینات از ناحیه عالم کثرت و جنبه خلقی است. «و ما اصابک من سیئه فمن نفسیک». پس کی که حقیقت استهلاک وجود منبسط را بداند، و دریابد که ذات واجب احاطه قیومی داشته و هیچ نسبتی بین او و خلقش نیست و از هر تعینی منزله است، برای او معرفت این ظهور ذاتی و تجلی اسمایی و صفاتی ممکن می شود. پس، با وجود تجلی به اسماء و در هیاکل موجودات، این تجلی، ذاتی خواهد بود بدون همراهی با آلودگی های تعین و همگونی با ساکنان عالمی از عوالم وجود». (امام خمینی، ۱۳۸۴، ۵۱)

این کثرت اسمایی که از تعین ها بر می خیزند، هرگز با وحدت اطلاق ذات احدیت منافاتی ندارند، چرا که ذات حضرت حق تعالی به مثابه نوری است که همه اشباح و هیاکل موجودات را نورانی نموده و به هر کدام از آنها هویت وجودی عطا می فرماید. امام خمینی (ره) در بیشتر آثار عرفانی خود به این نکته اشاراتی دارند که در اینجا به ذکر یک نمونه می پردازیم: «اگر آن شعاع وجود که موجودات را با آن شعاع و با آن تجلی، موجود فرموده؛ اگر آنی آن تجلی بر داشته شود، تمام موجودات لاشیی اند... آن تجلی و نور، اصل حقیقت وجود است یعنی اسم «الله» هست: «الله نور السموات و الارض» یعنی (همه چیز) جلوه خدا است و... وجود سموات و ارض، عبارت از نور است. از خدا است و آن قدر فانی در او است که: «الله نور السموات و الارض»، نه اینکه به واسطه الله: «یتنور السموات و الارض». این یک نحوه جدایی رامی فهماند. هیچ موجودی در عالم نداریم که یک نحو استقلالی داشته باشد. (ربانی خلخالی، ۱۳۵۷، ۱۰۳، ۱۰۴ و ۴۰)

### هر اسمی جامع همه حقایق است:

یکی از مهمترین نکاتی که امام خمینی (ره) در خصوص شاکله اسماء الهی به آن تظن یافتند و با این کشف و ادراک راه شرک ذاتی را مسدود نمودند، این نکته است که: تنها اسم اعظم نیست که جامع همه کمالات ذات اقدس الهی است، بلکه هر اسمی نیز به نوبه خود جامع همه کمالات است، با این تفاوت که اسم اعظم همه کمالات را ظاهر می کند ولی سایر اسماء به تناسب نقشی که در آفرینش ایفا می کند، کمالات از کمالات خداوند را ظاهر و



دیگر کمالات را در بطن خود نهان می دارد. به عنوان مثال: اسم «منتقم» عدل الهی را آشکار، و رحمت الهی را پنهان می کند. اگر هر اسمی بخشی از کمالات خداوند را دارد باشد، معنای این سخن این است که ذات اقدس الهی از مجموع اسماء ناقص که هر کدام جزئی از کمالات او است، ترکیب یافته و این، یعنی شرک ذاتی که با احدیت و بساطت حق تعالی منافات دارد. امام (ره) می فرمایند: «بر حذر می دارم تو را از اینکه در مورد قول ما که گفتیم: «همانا اسم «الله» اعظم نزدیکترین اسماء نسبت به عالم قدس، و اولین مظهر او مظاهر فیض اقدس به اعتبار اشمالش بر تمام اسماء و صفات است»، این گمان را داشته باشی که سایر اسماء الهی نسبت به حقایق اسماء غیر جامع و در تجوهر ذاتشان ناقص اند. این گمان کسانی است که به اسماء الهی کفر ورزیده و در آن الحاد نموده اند و از انوار وجه الله محروم گردیدند، بلکه ایمان به اسماء الهی این است که اعتقاد داشته باشی که هر اسمی، ذات مقدس خداوند متحدالذات است و همه اسماء نسبت به هم متحدند، و عینیت صفات، با ذات و عینیت بعضی صفات با بعضی دیگر، نیز این گونه است. و اما سخن، که گفتیم: فلان اسم کذایی از اسماء جلال، و بهمان اسم از اسماء جمال، این اسم «رحمن و رحیم» و آن اسم «قهار و جبار» است به علت ظهور هر ان چیزی است که به آن اختصاص دارد، و آن چه که مقابل او است در باطن او نهفته است. پس بنابراین در «رحیم» رحمت در او ظاهر و خشم در او باطن است و در اسم «جمال» جمال ظاهر است و جلال باطن. و در اسم جلال بالعکس. ظاهر در باطن پنهان است و باطن در ظاهر مستقر است، و همین طور اول او آخر، و آخر او اول... اما اسم «الله» الاعظم، رب تمام اسماء است و آن در حد اعتدال و استقامت است و برزخیت کبری از آن او است. نه جملش بر جلال، و نه جلالش بر جمال غلبه دارد. نه ظاهر بر باطنش، و نه باطن بر ظاهرش حکومت دارد. پس او ظاهر است در عین بطون، و باطن است در عین ظهور. اول است در عین آخریت و آخر است در عین اولیت. پس این حقیقت را بشناس چرا که باب وسیعی است برای معرفت.» (امام خمینی، ۱۳۸۴، ۱۹-۲۰).

### نتیجه گیری:

معرفت اسماء الهی و صفات علیای الهی که بیانگر معرفت توحیدی است، آدمی را متخلق به اخلاق کریمه و مبرای از صفات رذیله می سازد و در مرحله عمل وادار به اعمال صالح و تقوای از محرمات الهی می کند از آن جا که اسماء الهی خواهان ظهور هستند از سوی ذات ناشناخته خداوندی و با ندای غیبی به خلیفه غیبی الهی فرمان داده تا در قالب اسماء و صفات ظاهر شوند و بدین ترتیب آنها را در لباس واژه و لفظ به ظهور در آورده و بدین ترتیب اولین مرحله جریان فیض آغاز شد و سپس مراحل مختلف وجود به عرصه آمد. امام خمینی (ره) فرموده: این مقداری که همه موجودات عالم اسم خدا هستند و نشانه خدا هستند، این یک مقدار اجمالی است که همه عقول این را می توانند بفهمند و همه عالم را اسماء الله بدانند. همچنین در جای دیگر، با تکیه بر جزئیات، از بسیاری از پدیده های عالم به "اسماء الله" نام برده و گفته است: تمام عالم زنده است؛ همه هم اسم الله هستند. همه چیز اسم خداست؛ شما خودتان از اسماء الله هستید، زبانتان هم از اسماء الله است، دستتان هم از اسماء الله است، حرکات قلبتان هم اسم الله است، این بادهایی که وزیده می شود، همه اسم الله اند. نکته قابل ذکر در این بحث آن که اگر اهل معرفت، بخصوص حضرت امام، از همه عالم و آدم به اسماء الهی یاد نموده، بر اساس تعریفی است که آن ها از اسم الهی اراده کرده اند. بر این مبنا، عالم هستی با تمام پدیده های آن آیه، علامت و مظهر خدای سبحان است و هر کدام به اندازه کمال وجودی خود خدا را نشان می دهد و دلیل بر وجود خالق، مدبر و مصور عالم است. از این رو، اهل معرفت از عالم هستی به اسماء الهی یاد نموده اند. با دقت در کلام حضرت امام به خوبی معلوم می شود که ایشان گذشته از مبنای عرفا، عینیت اسم را با مسمی در فانی بودن اسم در مسمی و مستهلک بودن اسم در مسمی نیز جستجو و طرح کرده و از این رو، گفته است: "اسم در مسمای خود فانی است. ما خیال می کنیم که خودمان یک استقلالی داریم، لکن این طور نیست. اگر آتی آن شعاع وجود، که موجودات را با آن شعاع اراده، و با آن تجلی موجود فرمود، بر داشته شود، تمام موجودات لاشیء اند." "الله نور السموات والارض" یعنی وجود سماوات و ارض، که عبارت از نور است، از خداست و آن قدر فانی در او است که الله نور السموات، نه این که الله نور السموات."

# National Conference on Future Studies, Humanities and Development

## کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

### منابع:

قرآن کریم .

بدیعی ، محمد ، (۱۳۸۶) «نامه های عرفانی امام خمینی (ره)» چاپ چهارم ، انتشارات تشیع ، قم .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۸۴) «مصباح الهدایه الی الاخلافة و الولاية » مقدمه : استاد سید جلال الدین آشتیانی ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، چاپ پنجم ، تهران .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۵۹) «تفسیر دعای سحر» ، ترجمه سید احمد فهری ، نهضت زمان سلمان ، تهران .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۷۰) ، «صحیفه نور» ، (۲۲ جلد) ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۷۱) «شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران ، چاپ اول ، پائیز .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۷۲) «آداب الصلوه (آداب نماز) ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، تهران ، چاپ سوم .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۷۴) ، «آداب نماز یاره توشه سلوک (گزیده ای از آداب نماز و چهل حدیث)» ، تهران مؤسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۷۸) «شرح حدیث جنود عقل و جهل» تهران ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) .

خمینی ، روح الله ، (۱۳۸۱) ، «تقریرات فلسفه امام خمینی (ره) ، تهران ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) .

خمینی ، روح الله ، (۱۴۰۶ق) «تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس» ، مؤسسه پاسدار اسلام ، تهران ، رمضان المبارک .

ربانی خلخالی ، علی اصغر ، (۱۳۷۵) «تفسیر سوره مبارکه حمد (امام خمینی (ره) ، پیام آزادی ، تهران